

فصلنامه علمی - پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

دوره ۱۴، شماره ۴ - شماره پیاپی ۵۱، زمستان ۱۳۹۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۵

صص: ۲۷-۵۲

تأثیر سرمایه اجتماعی بر الگوهای مشارکت پذیری سیاسی

در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز

حسین حاجی پور^۱ یوسف امینی^{۲*} منوچهر کردزنگنه^۳

- ۱- گروه جامعه شناسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران
- ۲- گروه جامعه شناسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران
- ۳- گروه جامعه شناسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران

چکیده

مشارکت پذیری سیاسی شهروندان شهر اهواز به خاطر دارا بودن تنوع قومی و موقعیت ژئوپلیتیکی استان خوزستان مسئله ای مهم به شمار می آید، از این جهت بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر الگوهای مشارکت پذیری سیاسی شهروندان واقع در سن رأی دهی (بالای ۱۸ سال) شهر اهواز ضروری بنظر میرسد. برای رسیدن به اهداف این پژوهش از چهار دسته نظریه تلفیقی مربوط به مشارکت پذیری سیاسی (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی) بهره گرفته شد. پنج متغیر مستقل این تحقیق عبارت از سرمایه اجتماعی، کنش های یاری گرایانه، شبکه روابط و پیوندهای اجتماعی، اعتماد اجتماعی، تعامل اجتماعی می باشند. نمونه آماری تحقیق حاضر برابر با ۳۸۴ نفر بوده و با استفاده از فرمول کوکران بدست آمده است. در این پژوهش از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای برای نمونه گرفتن از کل شهروندان ساکن در مناطق هشت گانه شهرداری های شهر اهواز استفاده شده است. داده های پژوهشی این تحقیق به صورت پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه گردآوری گردیده است. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده های این تحقیق از نرم افزار SPSS استفاده گردیده است. یافته های پژوهش نشان می دهد که همه ۵ متغیر مستقل مورد استفاده در این پژوهش با متغیر وابسته تحقیق دارای رابطه مثبت و معنی دار می باشند.

واژگان کلیدی: مشارکت پذیری سیاسی، سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، تعامل اجتماعی، کنش های یاری گرایانه، شبکه روابط

و پیوندهای اجتماعی

مقدمه و بیان مسئله

بقاء انسان و تداوم حیات وی به عنوان موجود زیستمند و نیازمند، وابسته به زندگی با دیگران است. انسان در زندگی اجتماعی و گروهی، هویت و شخصیت خود را می‌یابد و در تلاش برای امنیت بخشیدن به زندگی خود، موفقیت‌هایی کسب می‌کند (سیف زاده، ۱۳۷۳: ص ۹۷). فرهنگ سیاسی ایران، فرهنگ تابعیت در مقابل فرهنگ مشارکت بوده و مجاری جامعه پذیری و فرهنگ پذیری روی هم رفته این نوع فرهنگ را تقویت کرده است. تنها تحولات در آموزش و ارتباطات و رسوخ ایدئولوژی‌های جدید، تغییراتی در آن ایجاد کرده است. به طور کلی، در فرهنگ تابعیت، مردم از حکومت انتظار دارند مصدر همه‌ی خدمات و اقدامات باشد. با این حال نسبت به حکام سیاسی و وعده و وعیدهای آنان گاهی احساس بی‌اعتمادی هم دیده می‌شود. به طور کلی، در فرهنگ سیاسی تابعیت، رفتارهای سیاسی افراد، ترکیبی است از فرصت طلبی، انفعال و کناره‌گیری، اعتراض پنهان و ترس. چنین فرهنگی، توانایی افراد در همکاری و اعتماد به یکدیگر را تضعیف می‌کند. فرآیند فرهنگ پذیری و جامعه پذیری در چنین فرهنگی در اتباع و نیز در رهبران، نگرش‌ها و گرایش‌های منفی نسبت به کار ویژه قدرت سیاسی ایجاد می‌کند (بشیری، ۱۳۸۶: ۶۶۴). بررسی ساختار قومیتی جامعه ایران نشان دهنده مجموعه متنوع و ناهمگونی از اقوام مختلف است که این تنوع قومی همراه با تفاوت‌های مذهبی، زبانی، فرهنگی نیز دیده می‌شود. اطلاق واژه‌های کثیرالقوم و جامعه چندقومیتی به ترکیب جمعیتی آن از واقعیتی انکارناشدنی خبر می‌دهد. حضور و زندگی قومیت‌های مختلف چون فارس‌ها، ترک‌ها، کردها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها، عرب‌ها و لر‌ها در کنار یکدیگر و در چارچوب جغرافیای سیاسی واحد نشان دهنده موزایک فرهنگی - قومی هویت و تمدن ایرانی است (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۴۵). بررسی الگوهای مشارکت پذیری سیاسی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز که متأثر از فاکتورهای جغرافیایی، اجتماعی، سیاسی، ساختاری، میانجیگری سیاسی و فرهنگی می‌باشد موضوعی پیچیده است. یکی از موضوعات مورد بحث در جغرافیای سیاسی، بررسی الگوهای مشارکت پذیری سیاسی شهروندان و اقوام مختلف یک کشور در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کلان کشور در جهت ایجاد حس همبستگی ملی و یکپارچگی سیاسی کشور است. ایران نیز سرزمینی است کهن که اقوام آن دهها قرن با هم زیسته و سرزمین مشترکی را به ارث برده‌اند و هویت مشترکی را به دست آورده‌اند. استان خوزستان شامل اقوام مختلف است که در گستره جغرافیایی آن پراکنده شده از جمله عشایر و ایلات لر و بختیاری - که طی قرن اخیر در شهرهای منطقه ساکن شده و بعضاً در صنایع و تأسیسات نفت مشغول به کار شده - به ترتیب سکنه این منطقه را تشکیل می‌دهند که به دلیل غلبه فرهنگ غیرعربی باید این منطقه را دنباله بخش مرکزی ایران دانست که در شرق و شمال جلگه خوزستان است. بخش‌های غربی و جنوبی جلگه خوزستان شامل خرده ناحیه‌ای می‌شود که عموماً عرب

و دارای فرهنگ متفاوت هستند، از بافت انسانی و فرهنگی متمایزی برخوردارند. همچنین از دیگر اقوام ساکن در استان خوزستان می توان به دزفولی و شوشتری اشاره کرد. که حضور این اقوام نشان دهنده تنوع گسترده بافت فرهنگی و اجتماعی این استان و تأثیر این بافت بر الگوهای مشارکت پذیری سیاسی شهروندان استان خوزستان می باشد. این چند گروه، از شهروندان اصلی ساکن در این استان به شمار میروند. مردم این منطقه عمدتاً شیعه مذهب بوده و با بخش مرکزی ایران همگونی دارند. شهرهای استان خوزستان به ویژه شهر اهواز نیز به دلیل تنوع قومی و فرهنگی به گنجینه فرهنگ ها معروف است و متشکل از اقوام گوناگون و از جمله مناطقی است که در طول تاریخ معاصر خود دچار تغییر و تحولاتی شده است. شهروندان ساکن استان خوزستان نیز در این تغییر و تحولات نقش اساسی را ایفا کرده اند. این امر نشان دهنده اهمیت نقش شهروندان به عنوان سرمایه های اجتماعی در سرنوشت منطقه و تصمیم گیری های سیاسی است؛ بنابراین استان خوزستان به عنوان استانی چندقومیتی، مکانی مناسب برای بررسی رفتارهای انتخاباتی شهروندان محسوب می شود. بر این اساس مطالعه حاضر با توجه به اهمیت نقش شهروندان در پی شناسایی رابطه آنها بر الگوهای مشارکت پذیری سیاسی و رفتار انتخاباتی در بین شهروندان و قومیت های مختلف در استان خوزستان است. بنابراین بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی و ۴ بُعد فرعی آن بر الگوهای مشارکت پذیری سیاسی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز لازم است و محقق در این تحقیق به دنبال پاسخ به این سوال است " آیا بین سرمایه اجتماعی و ۴ بُعد فرعی آن و الگوهای مشارکت پذیری سیاسی رابطه وجود دارد؟

اهداف تحقیق

این تحقیق در عین اینکه خصلتی بنیادی دارد از ماهیتی کاربردی برخوردار است. از طرفی این امکان را بدست می دهد تا برآورد بالنسبه دقیقی از وضعیت الگوهای مشارکت پذیری اجتماعی و سیاسی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز حاصل شود و از سوی دیگر تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفتار سیاسی آنان، موانع مشارکت پذیری سیاسی و علل کاهش یا افزایش مشارکت پذیری سیاسی شهروندان بالای ۱۸ سال اهوازی شناخته شود، بدین ترتیب مهم ترین اهداف فرعی تحقیق عبارتند از:

- ❖ توصیف دلایل مشارکت پذیری سیاسی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز.
- ❖ تبیین تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت پذیری سیاسی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز.
- ❖ بازنمایی و بازشناسی مفهوم سرمایه اجتماعی در بین شهروندان شهر اهواز.

- ❖ بالا بردن شناخت مردم، اندیشمندان و فعالان حوزه سیاست از الگوهای مشارکت پذیری سیاسی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز.
- ❖ برانگیختن حساسیت تصمیم گیرندگان حوزه سیاست (نخبگان سیاسی حاکمیتی) و پیشنهاد راهکارهای مناسب در جهت ارتقاء و بالا بردن میزان مشارکت پذیری سیاسی شهروندان شهر اهواز.
- ❖ تعیین رابطه بین متغیر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (کنش های یاری گرانه، شبکه روابط و پیوندهای اجتماعی، اعتماد اجتماعی، تعامل اجتماعی) با الگوهای مشارکت پذیری سیاسی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز.

ضرورت تحقیق

بطور کلی اهمیت و ضرورت انجام هر تحقیقی از دو جنبه قابل طرح است: ۱- اهمیت نظری و ۲- اهمیت تجربی و کاربردی. اهمیت نظری هر مطالعه ای لزوماً با مفهوم شناخت مرتبط است. هر تحقیقی گستره ای اطلاعات ما را نسبت به ابعاد مختلف موضوع مورد مطالعه افزایش می دهد. این پژوهش به لحاظ نظری ما را با مفهوم مشارکت سیاسی بعنوان مولفه اصلی توسعه سیاسی آشنا نموده رابطه بین این مفهوم و مفاهیم دیگر در حوزه توسعه سیاسی مشخص کرده و به ما اجازه می دهد تا از نظر گاه خاصی به مقوله ی مشارکت سیاسی نگریده و سطح تحلیلمان را با برقرار کردن رابطه بین این مفهوم و مفاهیم دیگر در حوزه توسعه سیاسی بالا ببریم. در بیان اهمیت نظری این موضوع باید گفت که در حوزه مربوط به جامعه شناسی سیاسی چهار سطح قابل تفکیک است که یکی از این سطوح رامشارکت سیاسی در بر می گیرد. سه سطح دیگر شامل کشمکشها و مناقشات سیاسی بین دولتها یعنی جامعه شناسی روابط بین الملل، ماهیت و نقش دولت در درون جوامع، ماهیت و سازمان جنبشها و احزاب سیاسی می باشد (ابراکسی و دیگران، ۱۳۶۷: ۲۸۹).

نظر به اهمیت مشارکت پذیری سیاسی عموم مردم، خصوصاً شهروندان اقوام و اقلیتها در عرصه های سیاسی، بویژه کنش های سیاسی مسالمت جوینانه و قانونی و آثار سیاسی اقدامات مشارکت خواه در تأمین امنیت ملی و نقش آفرینی اثرگذار شهروندان در ساختار سیاسی قدرت در کشور، ضرورت انجام پژوهشی تحلیلی و عمق نگر همواره در این زمینه مورد تأکید بوده است. بنابراین تحقیق حاضر در راستای پاسخگویی به این نیاز، ضمن تحلیل ویژگی های جامعه شناختی استان خوزستان و شهر اهواز، بویژه مرزی بودن و همجواری با کانونهای گریز از مرکز فراملی و برخورداری از تنوع قومی با بهره گیری از روش تبیینی به بررسی موضوع "تأثیر سرمایه اجتماعی و ۴ بُعد فرعی آن بر الگوهای مشارکت پذیری سیاسی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز" اقدام نموده است. خوزستان استانی چند قومیتی است و وحدت و یکپارچگی آن مرهون همزیستی اقوام مختلف در این استان

است. گرایش های سیاسی در جوامع معاصر، به علت تفاوت های ماهیتی با نظام سیاسی حاکم، منشأ بالقوه ای برای تضعیف وفاق و تهدیدی برای انسجام ملی کشورها به شمار می آید، شناسائی بسترها و عوامل همگرایی و چالش های پیش روی آن یکی از ضرورت های مهم سیاست گذاری درباره همبستگی ملی و مشارکت پذیری سیاسی در هر کشوری است. در این خصوص با توجه به اینکه استان خوزستان نقش بسیار مهمی در ساختار اقتصادی و ژئوپلیتیکی کشور دارد شهرهای این استان بدلیل اهمیت اقتصادی آنها در دهه های اخیر رشد جمعیتی بالایی را تجربه کرده است که رشد اقتصادی به نوبه خود باعث روند گسترده مهاجرت به این شهرها شده است. مهاجرت گسترده قوم بختیاری در این دوره از مناطق شمالی و شرقی خوزستان و مردمان عرب بومی از یکسو و مشکلات اجتماعی چون گسترش اسکان های غیر رسمی و گسترش های کالبدی غیر اصولی باعث بروز مشکلاتی اجتماعی و سیاسی در سطح شهر اهواز شده است. بدیهی است آگاهی از میزان مشارکت پذیری سیاسی در فرآیند تصمیم گیری ها ضروری بوده و از اهمیت شایانی برخوردار است. از این رو، شناخت این عوامل موضوعی است که نیازمند بررسی و تحقیق است تا راهکارهای مناسبی برای دستیابی به درک واقع گرایانه از کنش های سیاسی شهروندان ارائه گردد. در این پژوهش به دلیل اینکه استان خوزستان یکی از استان های مهم کشور می باشد و از طرفی قرارگرفتن این استان در منطقه ای که هم قطب کشاورزی و نفتی و هم منطقه جنگی می باشد موقعیت سیاسی آن را دو چندان کرده است. همچنین بافت قومی متفاوت در این استان مسئله مشارکت سیاسی را پررنگ تر کرده است. موضوع تنوع قومی و فرهنگی از آنجایی که در ارتباط تنگاتنگ و مستقیم با موضوعات و مقولاتی همچون "وحدت و یکپارچگی ملی" و "هویت ملی" و نیز "امنیت ملی" است؛ از این رو ویژگی "تنوع و تکثر" در جامعه ایرانی به مثابه شمشیر دو لبه ای است که هم می تواند فرصت باشد و هم به عنوان یک تهدید تلقی گردد. از این رو یادآوری این نکته بسیار ضروری است که هیچگاه طرح مسئله قومیتها ناقض اندیشه "اتحاد" یا منکر اصل "وحدت ملی" نیست، بلکه عدم پرداختن به اینگونه مسائل یا توجه حاشیه ای به آنها می تواند تهدیدی برای "وحدت و اتحاد ملی" باشد.

پیشینه و چهارچوب نظری تحقیق

محمد حسین پناهی (۱۳۸۲) در تحقیقی با عنوان "عوامل مؤثر در مشارکت سیاسی زنان در جمهوری اسلامی ایران مورد شهر تهران"، بیان می کند که بین متغیر مستقل طبقه اجتماعی که شامل (منزلت شغلی، درآمد خانوار، ثروت خانوادگی) می باشد رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. متغیر فرهنگ سیاسی که شامل سه بُعد (نگرش زنان نسبت به نظام سیاسی، نگرش زنان نسبت به مسئولان سیاسی، نگرش زنان نسبت به نقش و توان سیاسی خود) می

باشد از میان این سه بُعد فرعی فقط نگرش سیاسی زنان نسبت به نظام سیاسی رابطه مثبت و معنی داری با مشارکت سیاسی دارد. متغیر استفاده از رسانه ها رابطه مثبت و معنی داری با مشارکت سیاسی دارد. متغیر میزان منابع که شامل ابعاد فرعی (دانش سیاسی، مهارت سخن گفتن در جمع، حمایت خانواده از فرد در فعالیت های سیاسی، میزان پول در اختیار فرد) می باشد رابطه مثبت و معنی دار با مشارکت سیاسی دارد. متغیر مستقل عضویت در سازمان ها رابطه مستقیم و معنی داری با مشارکت سیاسی دارد. متغیر تجارب گذشته با مشارکت سیاسی رابطه دارد. بین مذهبی بودن و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد. بین اثر بخشی سیاسی و مشارکت سیاسی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. بین گروه های مرجع و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

پودراتچی (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان "بررسی میزان عدم مشارکت سیاسی جوانان و عوامل مؤثر بر آن مطالعه موردی شهر تهران" بیان می کند که بین متغیرهای مستقل (عدم اثربخشی سیاسی، بی قدرتی سیاسی، بی تفاوتی سیاسی، عدم اعتماد سیاسی، عدم اعتماد به نهادهای دولتی، عدم اعتماد به افراد حاضر در صحنه سیاسی، عدم اعتماد سیاسی به نهادهای غیر رسمی، عدم اعتماد سیاسی) با متغیر وابسته تحقیق؛ مشارکت سیاسی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد و متغیرهای تحصیلات، جنسیت و پایگاه اجتماعی رابطه ای با مشارکت سیاسی ندارند.

محمد ولی علیی (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان "عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی نخبگان (بررسی نخبگان علمی شهر تهران)" بیان می کند که بین متغیرهای مستقل، سرمایه فرهنگی، اثربخشی سیاسی و متغیر وابسته تحقیق یعنی مشارکت سیاسی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد و بین متغیرهای مستقل، سرمایه اجتماعی، پایگاه اجتماعی و تحرک اجتماعی و مشارکت سیاسی رابطه معنی داری وجود ندارد.

غلامرضا خوش فر (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان "تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان در استان گلستان" به صورت پیمایشی پرداخته است. بیان می کند که اطلاعات مورد نظر با استفاده از پرسشنامه ی حاوی پرسش هایی در زمینه سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر گرایش های سیاسی، با انتخاب نمونه ای با حجم ۵۰۲ نفر به صورت نمونه گیری طبقه ای متناسب، از میان گروه های سنی ۶۹ - ۱۹ سال جمعیت استان گلستان انجام گردیده است. که دکتر خوش فر در این تحقیق نشان می دهد که بین متغیرهای مستقل؛ سرمایه اجتماعی و بُعد فرعی آنان (شبکه روابط و پیوندهای اجتماعی، اعتماد، تعامل، کنش های یاری گرانه)، تحصیلات، پایگاه اجتماعی، طبقه اجتماعی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی، فعالیت های فراغتی و منزلت شغلی رابطه مثبت و معنی داری با مشارکت سیاسی وجود دارد و بین متغیرهای مستقل هزینه خانوار و ثبات سکونت یا شبکه اجتماعی (مالکیت شخصی مسکن، عدم جابجایی، مدت زمان اقامت) رابطه معنی دار ولی منفی یا معکوس با مشارکت سیاسی وجود

دارد و بین متغیرهای سن و بُعد خانوار رابطه ای با مشارکت سیاسی وجود ندارد. از این پژوهش به علت تشابه در موضوع و روش، در مراحل مختلف این تحقیق استفاده زیادی شده است.

معمار (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان "جامعه شناسی مشارکت سیاسی (تحلیل تطبیقی درون کشوری از مشارکت انتخاباتی در ایران)" بیان می کند که در این مطالعه بر آن بودیم تا عوامل اجتماعی مؤثر در «تفاوت پذیری درون کشوری» میزان رأی دهی را با انتخاب کشور ایران به عنوان بستر مطالعاتی خویش از طریق یک مطالعه ی «تطبیقی مقطعی» شناسایی نماییم. در این تحقیق دکتر رحمت الله معمار نشان می دهد که بین متغیرهای مستقل، پایگاه جمعیتی، فلاکت اقتصادی، باز توزیع منابع اقتصادی و اجتماعی و میزان دینی بودن افراد رابطه مثبت و معنی دار با متغیر وابسته تحقیق مشارکت سیاسی (میزان رأی دهی) وجود دارد و بین حجم طبقات متوسط و مشارکت سیاسی (میزان رأی دهی) رابطه منفی یا معکوس وجود دارد و میزان توسعه یافتگی رابطه ای با مشارکت سیاسی ندارد.

مک لورگ اسکات دی (۲۰۰۳) در تحقیقی با عنوان "شبکه های اجتماعی و مشارکت سیاسی: نقش تعامل اجتماعی در تبیین مشارکت سیاسی" بیان می کند که تعامل در شبکه های اجتماعی تأثیر قوی بر گرایش به مشارکت در سیاست می گذارد. به طور اخص در این تحقیق تأکید شده است که تعامل اجتماعی فرصت هایی برای افراد ایجاد می کند تا اطلاعاتی را درباره سیاست کسب کنند که به آنها اجازه می دهد تا فراتر از اجبارها و الزامات منابع شخصی عمل کنند، بدین ترتیب فعالیت سیاسی عده کثیری از مردم مورد حمایت قرار می گیرد.

برایان دی مکزی (۲۰۰۴) در تحقیقی با عنوان "شبکه های اجتماعی مذهبی، بسیج غیر مستقیم و مشارکت سیاسی در میان آمریکایی های آفریقایی تبار" بیان می کند که این بررسی اثرات انگیزشی گفتگوهای سیاسی غیر رسمی را در میان آمریکائیان آفریقایی تبار که در مراسم کلیسا شرکت می کنند، آزمون می کند. اختصاصاً این بررسی بر روی ترغیب سیاسی غیرمستقیم از طریق شبکه های اجتماعی جماعت کلیسا رو متمرکز شده است.

فیل پروین (۲۰۱۸) در تحقیقی با عنوان "دموکراسی بدون مشارکت سیاسی: سیاستی جدید در یک عصر آزاد" بیان می کند که الگوهای متغیر و انتزاعی مشارکت سیاسی که طی نیم قرن مورد مشاهده اندیشمندان سیاسی قرار گرفته، تمرین و تئوری دموکراتیک مرسوم را تحلیل کرده است. اغلب قریب به اتفاق تئوری های دموکراتیک به ویژه تئوری دموکراتیک سنجشی، بطور ضمنی یا روشن نیاز به مشارکت گسترده شهروندان را پذیرفته است.

چارچوب نظری

طبقه بندی نظریه ها بر اساس رویکرد تئوریک

یکی از چند نوع تقسیم بندی نظریه ها تقسیم بندی براساس رویکرد تئوریک نظریه ها می باشد. مروری اجمالی و مقایسه ای بر ادبیات نظری در حوزه های گوناگون جامعه شناسی سیاسی به خوبی نشان می دهد که میزان توجه عالمانه به حل این مسئله که چرا مردان برای انداختن رأی، پای صندوق های رأی گیری حضور می یابند، بسیار چشمگیر است و تلاش برای پاسخ علمی به این سؤال مقدار معتابهی از آثار نظری و تجربی تولید شده در حوزه جامعه شناسی سیاسی را به خود اختصاص داده است. این تأملات تئوریک حجیم و مشتت را از یک زاویه متفاوتی نیز می توان تنسيق نمود، و آن، رویکرد نظری اتخاذ شده برای پاسخ به چرایی رأی دهی است. در یک نگاه کلی، بر حسب چشم انداز ها و نقطه عزیمت های نظری متفاوت، تا کنون رهیافت ها و نظریه های متعددی برای تبیین مشارکت انتخاباتی و به خصوص تفاوت پذیری ها در میزان رأی دهی مطرح شده است. به منظور احصای نسبتاً کاملی از این تحلیل های نظری (شامل رهیافت ها، نظریه ها و مدل های نظری)، ابتدا به مهم ترین طبقه بندی های مطرحه توسط صاحب نظران، از نظریه های معطوف به توضیح کنش سیاسی به طور عام، مشارکت سیاسی به طور خاص و رأی دهی به طور اخص اشاره می کنیم و سپس، جمع بندی خویش از این رهیافت ها، نظریه ها و مدل ها را ارائه خواهیم داد (معمار، ۱۳۹۱: ۴۸).

جدول شماره ۱: طبقه بندی نظریه های مشارکت انتخاباتی بر حسب رویکرد نظری

نظریه ها و مدل ها	رویکرد نظری
نظریه یادگیری اجتماعی، نظریه فرهنگ سیاسی	فرهنگی
نظریه منابع، نظریه مدرنیزاسیون	اجتماعی
نظریه نهادی، مدل بسیج	سیاسی
نظریه انتخاب عمومی، نظریه بازنمایی	اقتصادی

رهیافت اجتماعی^۱

به طور کلی توضیحات جامعه شناختی به جای تکیه بر مضمون عقلانیت^۲ و ترسیم تابع «هزینه - فایده» به جستجوی علل کنش اجتماعی در «موقعیت اجتماعی» کنشگران برمی خیزند. انسان جامعه شناختی یا کارگزار «اجتماعی» در مواجهه با یک انتخاب، در برخی حالات ممکن است نه - مطابق مفروضه مدل کنشگر عقلانی -

۱- Social Approach

۲- Rationality

آن شقی را که ترجیح می دهد، بلکه آن شقی را برگزیند که مشروط شدگی های گوناگون اجتماعی (اخلاقی، شناختی و رفتاری) به او القا می کنند. رهیافت اجتماعی یا جامعه گرا بر آن است که مردم آن گونه کنش می کنند که زندگی می کنند و باور دارند. لذا از این منظر، کنش سیاسی افراد را باید بر حسب به اینکه آنها چه کسانی هستند و به چه چیزهایی اعتقاد دارند و نیز خصایص پیرامون اجتماعی که با آن تعامل دارند (شرایط زمینه‌ای) تبیین کرد. این رهیافت از یک طرف، کنش سیاسی افراد، گروه ها یا جامعه مورد نظر را ناشی از ویژگی های پیش زمینه ای آنان می داند. به بیانی انضمامی تر، رهیافت مذکور معطوف به تبیین کنش سیاسی بر حسب عضویت در گروه ها بر مبنای ویژگی هایی چون طبقه، مذهب، نژاد، جنسیت و... است. از طرفی دیگر و در سطحی کلان تر، رهیافت جامعه شناختی، معطوف به شرایط زمینه ای (ویژگی های ساختاری و نهادی) کنش سیاسی و فرصت ها و مضایق مؤثر در کم و کیف این کنش می باشد. از این منظر و در عرصه مشارکت سیاسی چنین احتجاج می شود که اعضای گروه های اجتماعی مشابه به داشتن اعتقاد سیاسی مشابه و مشارکت سیاسی به شیوه ای مشابه گرایش دارند. به طور کلی این رهیافت، به پرسش «چه کسی مشارکت می کند؟» با ارجاع به ویژگی های اکتسابی و انتسابی بالغین واجد شرایط و یا فرصت ها و مضایق محیطی مشارکت برای ایشان پاسخ می دهد. بر این اساس چنین ادعا می شود که افراد، جوامع یا اعضای گروه های اجتماعی مشابه از نظر این ویژگی ها، به داشتن اعتقادات سیاسی مشابه و در نتیجه مشارکت سیاسی به شیوه ای مشابه گرایش دارند. بر همین مبنای، ویژگی اصلی رهیافت اجتماعی به مشارکت انتخاباتی - که خود حاوی چندین نظریه و مدل نظری است - توضیح ترجیحات، اهداف و کنش شهروندان بر مبنای خصایص اجتماعی - اقتصادی آنان و / یا متغیرهای وابسته به محیط و موقعیت اجتماعی ایشان می باشد. به طور خاص، نظریه های جامعه شناختی مشارکت انتخاباتی بر منابع و یا «شرایط زندگی»^۱ افراد، که بر توانایی و قابلیت فردی آنان برای رأی دهی تأثیر می گذارند، تأکید می کنند. در وجه سلبی، رهیافت اجتماعی به رأی دهی، غالباً بر مفهوم «محرومیت اجتماعی»^۲ تمرکز می کند؛ بدین معنی که اگر رأی دهندگان، مهارت ها و منابع کافی، و یا شرایط مناسب برای مشارکت انتخاباتی را نداشته باشند، در نتیجه، رأی دهی، نازل خواهد بود؛ زیرا حرمان اجتماعی - اقتصادی^۳ به محرومیت سیاسی تبدیل می شود. رهیافت اجتماعی به مشارکت انتخاباتی،

۱ - Life Conditions

۲ - Social Exclusion

۳ - Socio - Economic Deprivation

منشأ نظریه ها و مدل های تبیینی گوناگونی بوده است که در این پژوهش از دو نظریه اصلی در این رویکرد، یعنی نظریه منابع و مدرنیزاسیون استفاده شده است^۱ (معمار، ۱۳۹۱: ۵۱).

رهیافت اقتصادی^۲

رویکرد اقتصادی به فعالیت سیاسی با فرض عقلانیت آغاز می شود. بر این اساس، شهروندان از طریق محاسبه دقیق سود و زیان، تصمیم به کنش سیاسی می گیرند. آن ها حداکثر تلاش خود را می کنند تا در هر موقعیتی، با یک چشم منفعی که از کنش سیاسی عاید می شود و چشمی دیگر و هزینه هایی که این کنش دربر دارد؛ آن ها را با یکدیگر تراز و بر مبنای اصلی عقلانیت، اقدام به کنش یا عدم کنش نمایند. رهیافت اقتصادی حاوی چندین نظریه است که مهمترین آن ها عبارتند از نظریه انتخاب عمومی به عنوان نظریه مبنا و نظریه بازنمایی (معمار، ۱۳۹۱: ۹۵).

رهیافت سیاسی

در یک تعریف کلی، رهیافت سیاسی، معطوف به توضیح فرصت ها و مضایق ساختاری و نهادی ماهیتاً سیاسی و یا تلاش های بسیج گرانه داعیان قدرت برای جلب رأی شهروندان، در تبیین مشارکت سیاسی و به طور خاص، رأی دهی می باشد. به تعبیری وسیع تر، در حالی که رویکرد اجتماعی به مشارکت سیاسی، درصدد شناخت ریشه ها و منابع اجتماعی امر سیاسی (در اینجا: میزان های رأی دهی) می باشد؛ رویکرد سیاسی، نوعاً در پی شناسایی ریشه های سیاسی امر سیاسی است. دو نظریه رایج در این رویکرد عبارتند از نظریه نهادی یا نهاد گرا، و مدل بسیج (معمار، ۱۳۹۱: ۱۱۰).

رهیافت فرهنگی^۳

در تعریف کلی، رهیافت فرهنگی معطوف به مجموعه ای از ارزش ها، باورها و هنجارهای مشترکی است که گروه ها را از یکدیگر متمایز می کنند و خط فاصل میان آن ها می شوند. به اعتقاد هانتینگتون (۱۳۷۹) رهیافت فرهنگ گرا از ویژگی های منحصر به فرد موجودیت های اجتماعی سخن می گوید. لذا اگر علل دیگر نتوانند به طور موجه، تفاوت بارز میان جوامع را تبیین نمایند، پیروان این رهیافت، تفاوت مذکور را به فرهنگ نسبت می دهند. از این حیث می توان گفت که توضیحات فرهنگی، مغایر تلاش های جامعه شناسان برای تعمیم بخشیدن به روابط میان مثلاً سطح رشد اقتصادی و مشارکت سیاسی هستند. همچنین از این منظر، کنش را نمی توان تنها

۱- البته شاید عنوان «دیدگاه نظری» برای این نظریه ها صحیح تر باشد؛ چرا که هر کدام از آنها حاوی چندین نظریه و مدل تبیینی می باشند.

۲- Economic Approach

۳- Cultural Approach

نتیجهٔ اوضاع بیرونی پنداشت. تفاوت های پایدار در یادگیری فرهنگی نیز نقش مهمی را در شکل دادن به آنچه مردم می‌اندیشند و انجام می‌دهند، بازی می‌کند. همچنان که اکشتاین (۱۹۸۸) اشاره کرده است، انسان فرهنگی از طریق تمایلات اولیهٔ شناختی، ارزیابانه و عاطفی کلی، از تجربه به عمل می‌رسد. الگوی چنین تمایلاتی از جامعه ای به جامعهٔ دیگر و از گروهی به گروه دیگر تفاوت می‌کند. این تفاوت ها بدان دلیل نیز است که موقعیت ها یا ساختارهای اجتماعی عینی آن ها با هم فرق دارند، بلکه به دلیل یادگیری چیزهایی است که فرهنگ آن را تعیین می‌کند. شاید به دلیل همین تأکید بر یادگیری در این رهیافت فرهنگی است که بعضاً آن را نظریهٔ یادگیری اجتماعی^۱ نیز می‌نامند. در این نظریه، شهروندان ارزش‌های معین را از فرهنگ سیاسی ای که ایشان در آن جامعه پذیر شده اند، فرا می‌گیرند و این ها به نوبهٔ خود، رفتار سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. نظریهٔ یادگیری اجتماعی پیش بینی می‌کند که تفاوت پذیری ها در مشارکت سیاسی، منتج از ارزش ها، اعتقادات و احساساتی دربارهٔ سیاست است که مردم در فرآیند جامعه پذیری سیاسی و عمدتاً در سنین کودکی و نوجوانی آن ها را کسب می‌کنند (معمار، ۱۳۹۱: ۱۱۲).

چهارچوب نظری در این پژوهش

پس از ارائهٔ تعاریف مختلف از اندیشمندان گوناگون و بر مبنای چارچوب مفهومی حاصل از دیدگاه های نظری، و همچنین بر اساس عناصر و ابعاد مشترک در تعاریف فوق، مفهوم سرمایه اجتماعی در سطح خرد در این تحقیق به شرح زیر تعریف می‌شود:

سرمایه اجتماعی؛ مجموعه‌ای از شبکه‌های روابط و پیوندهای اجتماعی مبتنی بر اعتماد بین فردی و بین گروهی است که تعامل افراد با نهادها و گروهها و کنشهای یاری‌گرانهٔ آنها را به منظور دستیابی به اهداف فردی و جمعی تسهیل می‌کند.

با عنایت به تعریف فوق از سرمایه اجتماعی که حالتی ترکیبی دارد و عناصر مشترک اغلب تعاریف سرمایه اجتماعی را در خود جای داده است و با تعریف جامعه‌شناسان ایرانی (عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۶) از سرمایه اجتماعی مشابهت زیادی دارد، چهار بُعد سرمایه اجتماعی در سطح خرد در این تحقیق به شرح زیر مشخص و مورد بررسی قرار می‌گیرند: ۱- شبکهٔ روابط و پیوندهای اجتماعی ۲- اعتماد اجتماعی ۳- تعامل اجتماعی ۴- کنش های یاری‌گرانه. که ۴ بُعد اصلی متغیر سرمایه اجتماعی از این تعریف استخراج شده و معرف‌هایی برای سنجش و عملیاتی کردن این ۴ بُعد تعریف شده و در پرسش نامه استفاده شد.

با علم به اینکه در بررسی هر واقعیت اجتماعی، نظریه واحدی نمی تواند تمامی ابعاد مسئله را به خوبی تبیین کند و هریک از نظریه ها و یا رویکردهای نظری می توانند یک بعد خاص از مسئله را تبیین کنند، در این قسمت با توجه به نظریه ها و دیدگاه های نظری که به طور مبسوط مورد بررسی قرار گرفتند، و همچنین با عنایت به منابع تجربی که مرور گردید، تلاش می گردد تا چهارچوب نظری منسجمی براساس مفاهیم و متغیرهای اصلی پژوهش فراهم شود.

مشارکت مردم در امور سیاسی، مراتب و سطوح مختلفی دارد، و بنا به توانایی، سابقه، تجربه، تحصیلات و علائق فردی متفاوت است. مشارکت سیاسی می تواند از یک مشارکت ساده در انتخابات محلی گرفته، تا به دست آوردن یک منصب بالای سیاسی، و بالاترین مقام سیاسی در کشور صورت پذیرد.

عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی در جوامع شرقی و معاصر، و خصوصاً جوامع اسلامی، نقش عوامل فرهنگی مشارکت کنندگان سیاسی، در ساخت اجتماعی و سیاسی در این جوامع، بیش از قشرهای اقتصادی در شکل گیری پدیده های اجتماعی و سیاسی مؤثر بوده است (لاپیدوس، ۱۳۸۳).

توسعه اقتصادی در هر کشوری، عامل مسلط در رشد و توسعه سیاسی است. توسعه اقتصادی، منجر به افزایش منزلت اجتماعی برای شهروندان می گردد. و همین عامل، احساس توانمندی و اثر گذار بودن از نظر سیاسی را برای افراد بدنبال خواهد داشت. این امر موجب افزایش مشارکت اجتماعی و سیاسی می گردد. شاخص این وضعیت در سطح فردی، افزایش تحرک اجتماعی بیشتر است (هانتینگتون، ۱۳۷۷). همچنین، کیفیت و سطح مشارکت سیاسی، در دو سطح کلان و خرد مورد مطالعه قرار می گیرند. در سطح کلان، نهادمندی و ابزارهای نهادینه کردن مشارکت سیاسی توده ها را، احزاب سیاسی، انتخابات و مجالس قانون گذاری شکل می دهند (که در این پژوهش مورد نظر نیست) اما در سطح خرد، تحرک اجتماعی و ارتقاء جایگاه منزلتی افراد در جامعه، بر میزان مشارکت سیاسی افراد مؤثر می باشند. همچنین سطح سواد و تحصیلات افراد، و دانش تخصصی آن ها، و نیز عضویت و فعالیت در انواع گروه ها و سازمان های اجتماعی، مانند اتحادیه های شغلی و صنفی، گروه های مدافع علایق خاص و غیره، بر میزان مشارکت سیاسی آن ها مؤثر است (همان، ۱۳۷۵).

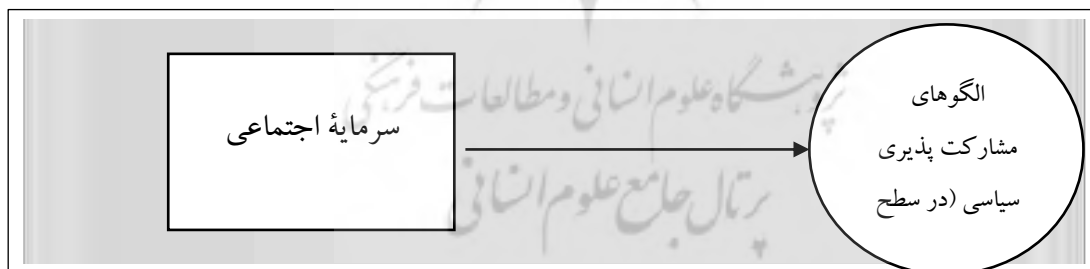
به طور کلی، سرمایه اجتماعی، به عنوان یک جنبه از روابط میان افراد، باعث ایجاد و تقویت شبکه های اجتماعی می شود. از سوی دیگر، کانون مشارکت سیاسی نیز مبتنی بر پیوندهای اجتماعی است. همچنین، اندیشمندان معتقدند هنجارها و اعتماد اجتماعی (از مؤلفه های سرمایه اجتماعی) نیز می توانند از طریق کاهش هزینه همکاری های اجتماعی، میزان مشارکت میان افراد را افزایش داده و بهبود بخشد. با توجه به کاهش هزینه های زندگی اجتماعی از طریق افزایش سرمایه اجتماعی، مشارکت سیاسی نیز به عنوان یک کالای جمعی، هنگامی در میان

شهروندان افزایش خواهد یافت که سطوح بالایی از سرمایه اجتماعی بتواند اعتماد و هنجارهای متقابل افراد به همدیگر را در جامعه تقویت کند و بدین ترتیب میزان مشارکت سیاسی افزایش یابد (امام جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶۲).

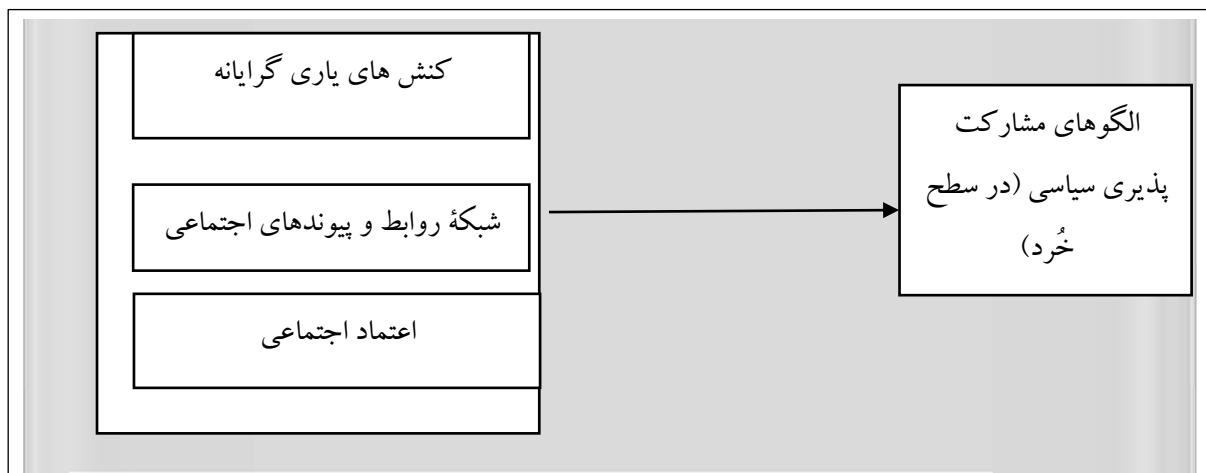
فرضیه های تحقیق

- ❖ بین کنش های یاری گرایانه و الگوهای مشارکت پذیری سیاسی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه وجود دارد.
- ❖ بین شبکه روابط و پیوندهای اجتماعی و الگوهای مشارکت پذیری سیاسی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه وجود دارد.
- ❖ بین اعتماد اجتماعی و الگوهای مشارکت پذیری سیاسی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه وجود دارد.
- ❖ بین تعامل اجتماعی و الگوهای مشارکت پذیری سیاسی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه وجود دارد.
- ❖ فرضیه اصلی تحقیق: بین سرمایه اجتماعی و الگوهای مشارکت پذیری سیاسی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه وجود دارد.

شکل شماره ۱: مدل نظری تحقیق در سطح خرد (تأثیر سرمایه اجتماعی بر الگوهای مشارکت پذیری سیاسی)



شکل شماره ۲: مدل تحلیلی تحقیق در سطح خرد (تأثیر ابعاد فرعی سرمایه اجتماعی بر الگوهای مشارکت پذیری)



روش‌شناسی تحقیق

در این تحقیق از روش پیمایش (روش زمینه‌یابی با اهداف توصیفی و اکتشافی) استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق شهروندان بالای ۱۸ سال و ساکن در شهر اهواز می‌باشند. برآورد حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و انتخاب نمونه نیز به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای در قالب ۵ مرحله در سطح مناطق هشت گانه شهرداری‌های شهر اهواز و محله‌ها و خیابان‌های شهر اهواز اجرا گردید، که به صورت تصادفی از بین ۸۷۵،۱۶۰ (۴۳۷،۶۱۶ مرد / ۴۳۷،۵۴۴ زن) نفر (طبق سرشماری سال ۱۳۹۵)؛ تعداد ۴۰۰ نمونه زن و مرد (به نسبت ۵۰٪ به ۵۰٪) که در منازل مسکونی و محلات و خیابان‌های بصورت تصادفی انتخاب شده شهر اهواز در سال ۱۳۹۸ زندگی می‌کردند، انتخاب شدند. پرسشنامه پژوهش حاضر، محقق ساخته و مورد تأیید اساتید راهنما و مشاور می‌باشد به همین دلیل دارای اعتبار صوری (ظاهری)^۱، که یکی از انواع مهم اعتبار محتوایی^۲ است، می‌باشد. همچنین برای سنجش میزان پایایی^۳ ابزار پژوهش از پرکاربردترین روش اعتبارسنجی یعنی آلفای کرونباخ در این پژوهش استفاده شد که آلفای به دست آمده برای کل گویه‌ها مقدار قابل توجه ۰/۸۷ بوده است و در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

شهر اهواز به عنوان مرکز استان خوزستان می‌باشد که قومیت‌های عمده‌ای که در این شهر ساکن هستند عبارتند از: عرب، لر، شوشتری، دزفولی، فارس. این شهر به مناطق هشت گانه شهرداری تقسیم بندی شده است که در این پژوهش از این تقسیم بندی استفاده شده است. ۵/۸۹ درصد از جمعیت کل کشور در استان خوزستان زندگی می‌کنند. ۲۵ درصد از جمعیت استان در شهر اهواز زندگی می‌کنند. جمعیت شهرستان اهواز به دلیل تقسیمات جدید کشوری نسبت به سرشماری قبلی (سال ۱۳۹۰) کاهش یافته است. جمعیت و مساحت (هکتار) مناطق شهر اهواز طبق آخرین سرشماری (سال ۱۳۹۵) جمعیت شهر اهواز ۱۱۸۴۷۸۸ نفر می‌باشد و مساحت شهر اهواز ۱۹۴۹۴ هکتار می‌باشد. وضعیت تأهل جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر شهر اهواز: از ۹۷۲۷۳۲ نفر جمعیت بالای ۱۰ سال، ۶۶٪ حداقل یکبار ازدواج کرده‌اند (۶۱٪ دارای همسر، ۳٪ بی همسر و ۲٪ بی همسر به دلیل طلاق) و ۳۴٪ جمعیت مذکور هرگز ازدواج نکرده‌اند. از جمعیت هرگز ازدواج نکرده‌ها، ۵۵٪ مرد و ۴۵٪ زن هستند. ۸۹٪ زنان و ۱۱٪

۱- Face Validity

۲- Content Validity

۳- Reliability

مردان بی همسر شهر اهواز به دلیل فوت همسر می باشد. وضعیت فعالیت جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر شهر اهواز: از ۹۷۲۷۳۲ نفر جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر، ۳۴٪ شاغل، ۵٪ بیکار، ۲۱٪ محصل، ۲۹٪ خانه دار و ۷٪ دارای درآمد بدون کار می باشند. از ۳۳۳۲۹۵ نفر جمعیت شاغل ۸۱٪ مرد و بقیه زن می باشند. از ۵۲۶۵۲ نفر بیکار ۶۷٪ مرد و بقیه زن می باشند.

از ۳۸۴ نفر نمونه انتخاب شده، به ترتیب، بیشترین افراد با تعداد ۲۰۲ نفر دارای مدرک تحصیلی کارشناسی، ۸۵ نفر کارشناسی ارشد، ۶۰ نفر دیپلم، ۲۰ نفر کاردانی، ۱۴ نفر دکتری و دو نفر سیکل می باشند.

فراوانی وضعیت تأهل پاسخگویان نشان می دهد که تعداد کل پاسخگویان ۳۸۴ نفر بودند که ۱۲۷ نفر یعنی ۳۳ درصد مجرد، ۲۴۸ نفر معادل ۶۴/۶ درصد متأهل و ۹ نفر بدون همسر یا در رده سایر قرار دارند.

فراوانی وضعیت فعالیت پاسخگویان نشان می دهد که تعداد کل پاسخگویان ۳۸۴ نفر بودند که ۲۸۹ نفر یعنی ۷۵/۳ درصد شاغل، ۳۲ نفر یعنی ۸/۳ درصد بیکار، ۲۹ نفر یعنی ۷/۶ درصد خانه دار، ۹ نفر یعنی ۲/۳ درصد دانشجو، ۲۱ نفر یعنی ۵/۵ درصد طلبه یا سرباز یا دانش آموز و ۴ نفر یعنی ۱ درصد دارای درآمد بدون شغل می باشند.

فراوانی شرکت در انتخابات برحسب شغل پاسخگویان

جدول فراوانی زیر نشان می دهد افراد مورد بررسی و شرکت کننده در انتخابات ریاست جمهوری دوره دوازدهم سال ۱۳۹۶ در کدامیک از گروه های فعالیت مورد پرسش قرار داشته اند، طبق این جدول در می یابیم ۲۴۵ نفر شاغل، ۱۵ نفر بیکار، ۱۶ نفر خانه دار، ۳ نفر دانشجو، ۱۲ نفر طلبه یا سرباز یا دانش آموز و ۴ نفر دارای درآمد بدون شغل هستند.

جدول فراوانی زیر نشان می دهد افراد مورد بررسی و شرکت کننده در انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا دوره پنجم سال ۱۳۹۶ در کدامیک از گروه های فعالیت مورد پرسش قرار داشته اند، طبق این جدول در می یابیم ۲۵۱ نفر شاغل، ۱۳ نفر بیکار، ۱۲ نفر خانه دار، ۴ نفر دانشجو، ۲ نفر طلبه یا سرباز یا دانش آموز و ۳ نفر دارای درآمد بدون شغل هستند.

جدول فراوانی زیر نشان می دهد افراد مورد بررسی و شرکت کننده در انتخابات مجلس شورای اسلامی مرحله اول دوره یازدهم سال ۱۳۹۸ در کدامیک از گروه های فعالیت مورد پرسش قرار داشته اند، طبق این جدول در می یابیم ۲۲۰ نفر شاغل، ۱۷ نفر بیکار، ۹ نفر خانه دار، ۴ نفر دانشجو، ۱۳ نفر طلبه یا سرباز یا دانش آموز و ۳ نفر دارای درآمد بدون شغل هستند.

جدول شماره ۲: فراوانی مشارکت در انتخابات پاسخگویان بر حسب شغل

انتخابات	شغل	بله	خیر	در سن قانونی نبودم	جمع
ریاست جمهوری (۱۳۹۶)	شاغل	۲۴۵	۴۳	۰	۲۸۸
	بیکار	۱۵	۱۵	۲	۳۲
	خانه دار	۱۶	۱۳	۰	۲۹
	دانشجو	۳	۲	۴	۹
	طلبه، سرباز، دانش آموز	۱۲	۲	۷	۲۱
	دارای درآمد بدون کار	۴	۰	۰	۴
	جمع	۲۹۵	۷۵	۱۳	۳۸۳
شورای اسلامی شهر و روستا (۱۳۹۶)	شاغل	۲۵۱	۳۵	۰	۲۸۶
	بیکار	۱۳	۱۷	۲	۳۲
	خانه دار	۱۲	۱۶	۱	۲۹
	دانشجو	۴	۰	۴	۸
	طلبه، سرباز، دانش آموز	۲	۱۲	۷	۲۱
	دارای درآمد بدون کار	۳	۱	۰	۴
	جمع	۲۸۵	۸۱	۱۴	۳۸۰
مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۸)	شاغل	۲۲۰	۶۶	۰	۲۸۶
	بیکار	۱۷	۱۵	۰	۳۲
	خانه دار	۹	۱۹	۱	۲۹
	دانشجو	۴	۳	۱	۸
	طلبه، سرباز، دانش آموز	۱۳	۳	۵	۲۱
	دارای درآمد بدون کار	۳	۱	۰	۴
	جمع	۲۶۶	۱۰۷	۷	۳۸۰

جدول فراوانی زیر توزیع پاسخگویان مبنی بر شرکت نکردن در انتخابات به قصد اعتراض به تصمیمات و رفتار مسئولین سیاسی در محله های مورد بررسی می باشد که از ۳۷۷ نفر پاسخگو ۲۹۴ نفر هرگز و ۵۷ نفر فقط یکبار و ۲۴ نفر دو بار و ۲ بیش از سه بار اقدام به اعتراض نموده اند.

جدول شماره ۳: توزیع پاسخگویان براساس شرکت نکردن در انتخابات به قصد اعتراض

سؤال	محله پاسخگویان	خیر	یکبار	دو بار	بیش از سه بار	جمع
شرکت نکردن در انتخابات به قصد اعتراض	امانیه	۳۶	۴	۴	۰	۴۴
	کیانپارس	۳۳	۱۲	۱	۱	۴۷
	کوروش	۴۰	۳	۳	۱	۴۷
	زیتون	۳۹	۶	۳	۰	۴۸
	گلستان	۳۵	۷	۶	۰	۴۸
	شهرک برق	۳۸	۸	۲	۰	۴۸
	کمپلو	۳۵	۱۰	۳	۰	۴۸
	خشایار	۳۸	۷	۲	۰	۴۷
	جمع	۲۹۴	۵۷	۲۴	۲	۳۷۷

جدول شماره ۴: شاخص های آماری آزمون رابطه بین کنش های یاری گرانه با الگوهای مشارکت پذیری سیاسی

متغیر وابسته	متغیر وابسته	حجم نمونه	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
کنش های یاری گرانه	الگوهای مشارکت پذیری سیاسی	۳۸۴	۰/۲۵۳	۰/۰۰

براساس نتایج حاصله از آزمون فرضیه " بین کنشهای یاری گرانه و الگوهای مشارکت پذیری سیاسی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه وجود دارد " که در جدول شماره ۴ مشخص گردیده ضریب همبستگی پیرسون (۰/۲۵۳) و سطح معنی داری برابر با ۰/۰۰ است. از آنجایی که سطح معنی داری کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد پس با ۹۵٪ اطمینان فرض H_0 رد می شود و فرض H_1 مورد تأیید قرار می گیرد نتیجتاً بین کنش های یارگرانه و الگوهای مشارکت پذیری سیاسی رابطه معنی داری وجود دارد. لازم به ذکر است بین کنش های یاری گرایانه با الگوهای مشارکت پذیری سیاسی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. یعنی هر چه کنش های یاری گرایانه افراد بیشتر و گسترده تر باشد، مشارکت سیاسی آنان نیز بیشتر است. بعد کنش های یاری گرایانه مانند دیگر ابعاد متغیر مستقل سرمایه اجتماعی شدت همبستگی متوسطی با متغیر وابسته مشارکت سیاسی دارد.

جدول شماره ۵: شاخص های آماری آزمون رابطه بین شبکه روابط و پیوندهای اجتماعی با الگوهای مشارکت پذیری سیاسی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	حجم نمونه	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
شبکه روابط و پیوندهای اجتماعی	الگوهای مشارکت پذیری سیاسی	۳۸۴	۰/۳۱۱	۰/۰۰

بر اساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه " بین شبکه روابط و پیوندهای اجتماعی و الگوهای مشارکت پذیری سیاسی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه وجود دارد" ضریب همبستگی پیرسون (۰/۳۱۱) و سطح معنی داری برابر با ۰/۰۰ است از آنجایی که سطح معنی داری کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد پس با ۰/۹۵ اطمینان فرض H_0 رد می شود و فرض H_1 مورد تأیید قرار می گیرد نتیجتاً بین شبکه روابط و پیوندهای اجتماعی و الگوهای مشارکت پذیری سیاسی رابطه معنی داری وجود دارد. لازم به ذکر است رابطه بین شبکه روابط و پیوندهای اجتماعی با الگوهای مشارکت پذیری سیاسی رابطه مثبت و معنی داری است. یعنی هر چه شبکه روابط و پیوندهای اجتماعی افراد بیشتر و گسترده تر باشد، مشارکت سیاسی آنان نیز بیشتر است.

-تأثیر اعتماد اجتماعی بر الگوهای مشارکت پذیری سیاسی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز
جدول شماره ۶: شاخص های آماری آزمون رابطه بین اعتماد اجتماعی با الگوهای مشارکت پذیری سیاسی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	حجم نمونه	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
اعتماد اجتماعی	الگوهای مشارکت پذیری سیاسی	۳۸۴	۰/۵۶۱	۰/۰۰

بر اساس نتایج حاصله از آزمون فرضیه " بین اعتماد اجتماعی و الگوهای مشارکت پذیری سیاسی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه وجود دارد" ضریب همبستگی پیرسون (۰/۵۶۱) و سطح معنی داری برابر با ۰/۰۰ است از آنجایی که سطح معنی داری کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد پس با ۰/۹۵ اطمینان فرض H_0 رد می شود و فرض H_1 مورد تأیید قرار می گیرد نتیجتاً بین اعتماد اجتماعی و الگوهای مشارکت پذیری سیاسی رابطه معنی داری وجود دارد. با توجه آزمون ضریب همبستگی پیرسون گرفته شده رابطه مثبت و معنی دار بین دو متغیر وجود دارد که نشان می دهد هر چه شبکه اعتماد اجتماعی افراد بیشتر و گسترده تر باشد، مشارکت پذیری سیاسی آنان نیز بیشتر است.

جدول شماره ۷: آزمون رابطه بین تعامل اجتماعی با الگوهای مشارکت پذیری سیاسی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	حجم نمونه	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
تعامل اجتماعی	الگوهای مشارکت پذیری سیاسی	۳۸۴	۰/۵۳۷	۰/۰۰

بر اساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه " بین تعامل اجتماعی و الگوهای مشارکت پذیری سیاسی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه وجود دارد " ضریب همبستگی پیرسون (۰/۵۳۷) و سطح معنی داری ۰/۰۰ است. از آنجایی که سطح معنی داری کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد پس با ۰/۹۵ اطمینان فرض H_0 رد می شود و فرض H_1 مورد تأیید قرار می گیرد نتیجتاً بین تعامل اجتماعی و الگوهای مشارکت پذیری سیاسی رابطه معنی داری وجود دارد. ضریب همبستگی مثبت و مستقیم به دست آمده نشان دهنده این است که هرچه افراد جامعه آماری این تحقیق تعامل اجتماعی بیشتری با هم داشته باشند تمایل بیشتری به مشارکت پذیری سیاسی از خود نشان می دهند.

جدول شماره ۸: آزمون رابطه بین سرمایه اجتماعی با الگوهای مشارکت پذیری سیاسی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	حجم نمونه	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
سرمایه اجتماعی	الگوهای مشارکت پذیری سیاسی	۳۸۴	۰/۴۷۳	۰/۰۰

بر اساس نتایج حاصله از آزمون فرضیه اصلی این تحقیق " بین سرمایه اجتماعی و الگوهای مشارکت پذیری سیاسی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه وجود دارد " که در جدول شماره ۸ انعکاس داده شده است ضریب همبستگی پیرسون (۰/۴۷۳) و سطح معنی داری برابر با ۰/۰۰ است. از آنجایی که سطح معنی داری کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد پس با ۰/۹۵ اطمینان فرض H_0 رد می شود و فرض H_1 مورد تأیید قرار می گیرد. نتیجتاً بین سرمایه اجتماعی و الگوهای مشارکت پذیری سیاسی رابطه وجود دارد. می توان گفت هر چه سرمایه اجتماعی افراد جامعه آماری این تحقیق افزایش یابد، مشارکت پذیری سیاسی آنان نیز افزایش می یابد.

جدول شماره ۹: رابطه ابعاد اصلی و فرعی سرمایه اجتماعی با مشارکت پذیری سیاسی

ابعاد اصلی	ابعاد فرعی		مشارکت سیاسی کل		مشارکت پذیری غیر انتخاباتی		مشارکت انتخاباتی	
	مقدار آزمون	سطح معنی داری	مقدار آزمون	سطح معنی داری	مقدار آزمون	سطح معنی داری	مقدار آزمون	سطح معنی داری
شبکه روابط و پیوندهای اجتماعی	روابط رسمی	روابط مبتنی بر کار	۰/۴۱۳	۰/۰۰۰	۰/۲۱۳	۰/۰۰۰	۰/۵۹۵	۰/۰۰۰
		روابط گروهی یا نهادی	۰/۳۸۵	۰/۰۰۰	۰/۲۹۵	۰/۰۰۰	۰/۳۶۳	۰/۰۰۰
	روابط رسمی		۰/۴۷۶	۰/۰۰۰	۰/۳۴۲	۰/۰۰۰	۰/۵۰۰	۰/۰۰۰
	روابط غیر رسمی	شرکت در فعالیت های اجتماعی	۰/۰۳۷	۰/۴۷۰	۰/۰۸۱	۰/۱۱۵	۰/۰۶۲	۰/۲۲۶
		شبکه دوستان و همسایگان	۰/۱۱۹	۰/۰۲۱	۰/۰۷۹	۰/۱۳۰	۰/۱۱۳	۰/۰۲۸
		اندازه و ظرفیت شبکه	۰/۱۵۷	۰/۰۰۲	۰/۱۵۰	۰/۰۰۳	۰/۱۱۱	۰/۰۳۰
	روابط غیر رسمی		۰/۱۴۵	۰/۰۰۴	۰/۱۳۱	۰/۰۱۱	۰/۰۴۶	۰/۳۶۶
	شبکه روابط و پیوندهای اجتماعی		۰/۳۱۱	۰/۰۰۰	۰/۲۳۸	۰/۰۰۰	۰/۲۴۱	۰/۰۰۰
اعتماد اجتماعی	اعتماد به نزدیکان یا اعتماد شخصی		۰/۴۱۶	۰/۰۰۰	۰/۳۶۴	۰/۰۰۰	۰/۳۶۹	۰/۰۰۰
	اعتماد تعمیم یافته		۰/۲۸۶	۰/۰۰۰	۰/۲۴۷	۰/۰۰۰	۰/۲۲۲	۰/۰۰۰
	اعتماد نهادی یا مدنی		۰/۵۰۸	۰/۰۰۰	۰/۴۹	۰/۰۰۰	۰/۴۲۴	۰/۰۰۰
	قابلیت اعتماد به عموم		۰/۳۰۷	۰/۰۰۰	۰/۳۲۳	۰/۰۰۰	۰/۱۴۷	۰/۰۰۰
	اعتماد اجتماعی		۰/۵۶۱	۰/۰۰۰	۰/۴۶۶	۰/۰۰۰	۰/۴۳۱	۰/۰۰۰
تعامل اجتماعی	تعامل با افراد		۰/۲۴۳	۰/۰۰۰	۰/۱۶۶	۰/۰۰۰	۰/۲۸۶	۰/۰۰۰
	تعامل با گروه ها و نهاد ها		۰/۴۹۳	۰/۰۰۰	۰/۴۹۳	۰/۰۰۰	۰/۳۰۹	۰/۰۰۰
	تعامل اجتماعی		۰/۵۳۷	۰/۰۰۰	۰/۴۸۱	۰/۰۰۰	۰/۳۷۷	۰/۰۰۰
باری گزانه	کنش های باری گزانه	۰/۲۵۳	۰/۰۰۰	۰/۲۳۹	۰/۰۰۰	۰/۱۶۸	۰/۰۰۰	

جدول ضرایب همبستگی و آزمون فرض استقلال دو متغیر مورد بررسی نشان می دهد که مشارکت پذیری سیاسی انتخاباتی با روابط مبتنی بر کار، روابط گروهی یا نهادی، روابط رسمی، شبکه دوستان و همسایگان، اندازه و

ظرفیت شبکه، روابط و پیوندهای اجتماعی، اعتماد به نزدیکان یا اعتماد شخصی، اعتماد تعمیم یافته، اعتماد نهادی یا مدنی، قابلیت اعتماد عموم، اعتماد اجتماعی، تعامل با افراد، تعامل با گروهها و نهادهای اجتماعی، تعامل اجتماعی و کنش های یاری گرایانه در سطح ۰/۰۵ رابطه معناداری دارد، همچنین با روابط رسمی در سطح معنی دار ۰/۰۵ رابطه معنی داری دارد به این معنی که هر چه روابط رسمی افزایش یابد مشارکت پذیری سیاسی نیز افزایش پیدا می کند. مشارکت پذیری سیاسی تنها از متغیرهای شرکت در فعالیتهای اجتماعی و روابط غیر رسمی مستقل می باشد.

مشارکت پذیری سیاسی غیر انتخاباتی با روابط مبتنی بر کار، روابط گروهی یا نهادی، روابط رسمی، اندازه و ظرفیت شبکه، روابط غیر رسمی، روابط و پیوندهای اجتماعی، اعتماد به نزدیکان یا اعتماد شخصی، اعتماد تعمیم یافته، اعتماد نهادی یا مدنی، قابلیت اعتماد عموم، اعتماد اجتماعی، تعامل با افراد، تعامل با گروهها و نهادهای اجتماعی، تعامل اجتماعی و کنش های یاری گرایانه در سطح ۰/۰۵ رابطه معناداری دارد. مشارکت پذیری سیاسی غیر انتخاباتی از متغیرهای شرکت در فعالیتهای اجتماعی و شبکه دوستان و همسایگان مستقل می باشد.

مشارکت سیاسی کل با روابط مبتنی بر کار، روابط گروهی یا نهادی، روابط رسمی، شبکه دوستان و همسایگان، اندازه و ظرفیت شبکه، روابط غیر رسمی، روابط و پیوندهای اجتماعی، اعتماد به نزدیکان یا اعتماد شخصی، اعتماد تعمیم یافته، اعتماد نهادی یا مدنی، قابلیت اعتماد عموم، اعتماد اجتماعی، تعامل با افراد، تعامل با گروهها و نهادهای اجتماعی، تعامل اجتماعی و کنش های یاری گرایانه در سطح ۰/۰۵ رابطه معناداری دارد. مشارکت سیاسی کل از متغیر شرکت در فعالیتهای اجتماعی مستقل می باشد.

نتیجه گیری

از دیدگاه جامعه شناسی، مشارکت پذیری به معنای احساس تعلق به گروه و شرکت فعالانه و داوطلبانه در آن که به فعالیت اجتماعی منجر می گردد، حائز اهمیت است. از این نظر، مشارکت پذیری فرآیند سازمان یافته ای است که فرد در آن به فعالیتی ارادی و داوطلبانه دست می زند. "مشارکت پذیری اجتماعی مشارکت فعالانه در حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و به طور کلی تمامی ابعاد حیات می باشد. مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت های ارادی دلالت دارد که از طریق آن اعضاء یک جامعه در امور محله، شهر و روستا به طور مستقیم یا غیر مستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند.

لذا با توجه به تحقیقات به عمل آمده در زمینه مشارکت پذیری در مکان های مختلف، در این تحقیق به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی و ۴ بعد آن بر مشارکت پذیری سیاسی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز پرداخته و

در ادامه از طریق آمار و ارقام به دست آمده در این تحقیق نتایج ارتباط بین سرمایه اجتماعی و ۴ بُعد آن با مشارکت پذیری سیاسی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز مرور خواهد شد:

سرمایه اجتماعی در جامعه‌ای مفروض دربرگیرنده نهادها، روابط، نظرگاه‌ها و ارزش‌هایی است که بر کنش و واکنش‌های بین مردم حاکم‌اند و در توسعه اقتصادی و اجتماعی سهمی دارند. لیکن از سرمایه اجتماعی جمع ساده‌نهادهایی نیست که جامعه را در بر می‌گیرند بلکه همچنین ملاطی به شمار می‌رود که نهادهای یاد شده را به هم پیوند می‌زند. سرمایه اجتماعی در عین حال در برگیرنده ارزش‌ها و هنجارهای مشترک لازم برای رفتار اجتماعی است که در روابط شخصی افراد، در اعتماد آنان به یکدیگر و در حس مشترک مسئولیت‌های مدنی منعکس شده است. امری که جامعه را چیزی بیشتر و فراتر از جمع افراد می‌سازد. فرضیه "بین سرمایه اجتماعی و الگوهای مشارکت‌پذیری سیاسی رابطه وجود دارد" از رهیافت اجتماعی چهارچوب نظری تحقیق استخراج گردید، در این رهیافت مشارکت مردم در امور اجتماعی از جمله مشارکت در سیاست بر اساس سرمایه اجتماعی افراد تبیین می‌شود. رهیافت اجتماعی به مشارکت انتخاباتی، منشأ نظریه‌ها و مدل‌های تبیینی گوناگونی بوده است که در این پژوهش از دو نظریه اصلی در این رویکرد، یعنی نظریه منابع و مدرنیزاسیون استفاده شده است. همچنین آقای محمد حسین پناهی در تحقیق خود با عنوان "عوامل موثر بر مشارکت سیاسی زنان در جمهوری اسلامی ایران مورد شهر تهران" اذعان به وجود رابطه معنی‌داری بین سرمایه اجتماعی زنان شهر تهران و مشارکت سیاسی آنها کردند. در تحقیق حاضر نیز در میان شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز بین سرمایه اجتماعی افراد و مشارکت‌پذیری سیاسی افراد (در سطح معنی‌دار ۰/۰۵ و ضریب همبستگی پیرسون ۰/۴۷۳) ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

شبکه روابط و پیوندهای اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد اصلی مفهوم سرمایه اجتماعی در تعریف ما از سرمایه اجتماعی گنجانده شده است. این بُعد از سرمایه اجتماعی به وسیله شبکه‌های اجتماعی مورد تعریف و سنجش قرار می‌گیرد. در چهارچوب تحلیل شبکه‌ای، منظور از سرمایه اجتماعی یعنی شبکه‌های اجتماعی که از طریق آن‌ها دسترسی به منابع اجتماعی امکان‌پذیر می‌شود. در این تعریف، شبکه اجتماعی عنصر اصلی سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. تحلیل شبکه‌ای به ما اجازه می‌دهد تا با بررسی الگوهای رابطه‌ای، منابع موجود در شبکه را شناسایی کنیم. پیش فرض این تحلیل این است که ساختار روابط اجتماعی تعیین‌کننده فرصت‌ها و چالش‌های دسترسی به منابع است. خود این ساختار نیز محصول روابط و تعاملات می‌باشد. عملیاتی کردن روابط اجتماعی از طریق شبکه‌ها ما را قادر می‌سازد تا شناخت درستی از ساختار روابط اجتماعی بدست آوریم. فرضیه "بین شبکه روابط و پیوندهای اجتماعی و الگوهای مشارکت‌پذیری سیاسی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه

وجود دارد" برگرفته از رهیافت فرهنگی است که بعضاً آن را نظریه یادگیری اجتماعی نیز می‌نامند. در این نظریه، شهروندان ارزش‌های معین را از فرهنگ سیاسی ای که ایشان در آن جامعه پذیر شده‌اند، فرا می‌گیرند و این‌ها به نوبه خود، رفتار سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. نظریه یادگیری اجتماعی پیش‌بینی می‌کند که تفاوت پذیری‌ها در مشارکت سیاسی، منتج از ارزش‌ها، اعتقادات و احساساتی درباره سیاست است که مردم در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی و عمدتاً در سنین کودکی و نوجوانی آن‌ها را کسب می‌کنند. همچنین برایان دی مکزی در تحقیق با عنوان "شبکه اجتماعی و مذهبی، بسیج غیر مستقیم" وجود رابطه مثبت و معنی‌دار متغیر شبکه روابط اجتماعی با مشارکت سیاسی در بین آمریکایی‌های آفریقایی تبار را نشان داد. همچنین پودراتچی در تحقیق "بررسی میزان عدم مشارکت سیاسی جوانان شهر تهران" بر تأثیر مثبت و معنی‌دار این بُعد فرعی از سرمایه اجتماعی تأکید می‌کند. در تحقیق حاضر نیز در نتیجه آزمون آماری ضریب همبستگی پیرسون با مقدار آزمون $0/311$ و سطح معنی‌داری $0/05$ بدست آمده، بین شبکه روابط و پیوندهای اجتماعی (از ابعاد فرعی سرمایه اجتماعی) و الگوهای مشارکت‌پذیری سیاسی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

اعتماد اجتماعی یکی از اجزای اصلی سرمایه اجتماعی است. اعتماد یک عنصر اختیاری و آگاهانه است پیش‌بینی رفتار یک بازیگر مستقل است. اعتماد همکاری را تسهیل می‌کند و یکی از عناصر ضروری تقویت همکاری است. اعتماد همانند یک منبع اخلاقی است که ذخیره آن در حین استفاده به‌جای کاهش، افزایش می‌یابد و در صورت عدم استفاده کاهش می‌یابد (پاتنام، ۱۳۷۷: ۲۹۰ - ۲۹۲). رهیافت سیاسی، معطوف به توضیح فرصت‌ها و مضایق ساختاری و نهادی ماهیتاً سیاسی و یا تلاش‌های بسیج‌گرانه داعیان قدرت برای جلب رأی شهروندان، در تبیین مشارکت سیاسی و به‌طور خاص، رأی‌دهی می‌باشد. رویکرد سیاسی، نوعاً در پی شناسایی ریشه‌های سیاسی امر سیاسی است. دو نظریه رایج در این رویکرد عبارتند از نظریه نهادی یا نهاد‌گرا، و مدل بسیج، فرضیه "بین اعتماد اجتماعی و الگوهای مشارکت‌پذیری سیاسی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه وجود دارد" از نظریه نهاد‌گرایی و مدل بسیج رهیافت سیاسی چهارچوب نظری تحقیق استخراج گردید. آقای علیی در تحقیق با عنوان "عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی نخبگان علمی شهر تهران" وجود رابطه مثبت و معنی‌دار این بُعد فرعی از سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی نخبگان علمی شهر تهران را نشان می‌دهد. تحقیق حاضر نیز نقش مثبت و معنی‌دار اعتماد اجتماعی (از ابعاد فرعی سرمایه اجتماعی) بر الگوهای مشارکت‌پذیری سیاسی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز را با توجه به مقدار آزمون ضریب همبستگی پیرسون $0/561$ و سطح معنی‌داری $0/05$ بدست آمده، را بخوبی نشان می‌دهد.

همچنان که از تعریف سرمایه اجتماعی در این تحقیق بر می آید، تعامل اجتماعی یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی محسوب می شود. ارتباط مبنای ایجاد جوامع اجتماعی و اعتماد می باشد. در واقع اگر تعامل و ارتباط بین افراد و گروه های اجتماعی وجود نداشته باشد، اعتماد نیز شکل نمی گیرد. بنابراین تعاملات بین افراد و گروه های اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد تعریف سرمایه اجتماعی مورد توجه قرار می گیرد. به قول چارون «تعامل اجتماعی همان کنشی است که افراد از طریق آن، با دیگران به گونه ذهنی کنش برقرار می کنند» (چارون، ۱۹۸۵؛ به نقل از ریتزر، ۱۳۸۰: ۲۸۶). با توجه به نظریات صاحب نظران و تجربیات حاصله، تعامل اجتماعی را می توان اینگونه تعریف کرد: تعامل اجتماعی به میزان ارتباط افراد جامعه با یکدیگر و با نهادهای اجتماعی گفته می شود که برحسب موقعیت های مختلف، تفاوت می پذیرد. فرضیه بین "تعامل اجتماعی و الگوهای مشارکت پذیری سیاسی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه وجود دارد" از رهیافت اقتصادی چهارچوب نظری تحقیق که حاوی چندین نظریه است که مهمترین آن ها عبارتند از نظریه انتخاب عمومی به عنوان نظریه مبنا و نظریه بازنمایی، استخراج گردیده است. همچنین مک لورگ دی اسکات در تحقیقی با عنوان "شبکه اجتماعی و مشارکت سیاسی" بر نقش مثبت و معنی دار تعامل اجتماعی بر مشارکت سیاسی تأکید می کند. در این تحقیق بر اساس مقدار آزمون ضریب همبستگی پیرسون ۰/۵۳۷ و با سطح معنی داری ۰/۰۵ بین تعامل اجتماعی (از ابعاد فرعی سرمایه اجتماعی) و الگوهای مشارکت پذیری در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه وجود دارد.

در تعریف نظری کنش های یاری گرانه از تعریف هنجارهای معامله متقابل یاری گرفته می شود. هنجارها هنگامی بوجود که یک عمل تجلیات بیرونی مشابهی برای تعداد دیگری از افراد دارد. هنجارها از طریق سرمشق شدن (از جمله آموزش مدنی) و نیز از طریق مجازات ها در افراد جامعه تلقین و تثبیت می شوند. هنجارهایی که اعتماد را تقویت می کنند، توسعه می یابند چرا که این هنجارها هزینه معاملات را پایین آورده و همکاری را تسهیل می کنند. مهمترین این هنجارها، هنجارهای معامله به مثل هستند. این هنجارها هیچ ضمانت اجرایی قانونی ندارند لکن فشار اجتماعی قوی وارد می کنند تا افراد از آن آنها پیروی کنند (پاتنام، ۱۳۷۷: ۲۹۴). فرضیه "بین کنشهای یاری گرایانه و الگوهای مشارکت پذیری سیاسی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه وجود دارد" از رویکرد اجتماعی چهارچوب نظری تحقیق که شامل نظریات منابع و مدرنیزاسیون می باشد و تأثیر ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی بر روابط اجتماعی را مورد تبیین قرار می دهند استخراج گردید و پاسخی مناسب برای بررسی علل مشارکت پذیری سیاسی در بین شهروندان اهوازی را می توان از این نظریات استنتاج کرد. همچنین دکتر غلامرضا خوش فر که محقق در این پژوهش از تجربیات و تحقیق پربار ایشان استفاده زیادی کرده است، در پژوهش خود با عنوان "تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی در بین شهروندان استان گلستان" بر تأثیر مثبت و معنی دار

سرمایه اجتماعی و ابعاد فرعی آن از جمله تأثیر کنش های یاری گرایانه بر مشارکت سیاسی شهروندان استان گلستان اذعان می کند. در تحقیق حاضر نیز بر طبق مقادیر بدست آمده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون (با مقدار آزمون ۰/۲۵۳ و سطح معنی داری ۰/۰۵) بین کنش های یاری گرایانه (از ابعاد فرعی سرمایه اجتماعی) و الگوهای مشارکت پذیری سیاسی در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

منابع

- آنتونی، الیوت؛ ترنر، برایان. (۱۳۹۳). برداشت هایی در نظریه اجتماعی، (مترجم. فرهنگ ارشاد)، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- آتویتی، ویلیام؛ باتامور، تام. (۱۳۹۲). فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم، (مترجم. حسن چاوشیان)، تهران: نشر نی.
- ابرکرامی، نیکلاس؛ ترنر، برایان. (۱۳۶۷). فرهنگ جامعه شناسی، تهران: انتشارات چاپخش.
- امام جمعه زاده، سید جواد. (۱۳۹۱). رابطه میان دین داری و رفتار انتخاباتی، دو فصلنامه قدرت نرم، دوره سوم (شماره ۸): ۲۷-۴۴.
- بی، ارل. (۱۳۹۸). روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، (مترجم. رضا فاضل)، تهران: سمت.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۶). عقل در سیاست، تهران: نگاه معاصر.
- بیرو، آلن. (۱۳۸۰). فرهنگ علوم اجتماعی، (مترجم. باقر ساروخانی)، تهران: کیهان.
- بیکر، ترزال. (۱۳۹۴). نحوه انجام تحقیقات اجتماعی، (مترجم. هوشنگ نایی)، تهران: نشر نی.
- پناهی، محمد حسین. (۱۳۸۶). جامعه شناسی مشارکت سیاسی زنان، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- پودراتچی، مصطفی. (۱۳۸۹). بررسی میزان عدم مشارکت سیاسی جوانان و عوامل مؤثر بر آن، تهران: رساله دکتری دانشگاه علامه طباطبایی.
- حبیب پور گنابی، کرم؛ صفری شالی، رضا. (۱۳۹۵). راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی، تهران: انتشارات متفکران.
- چاوا، فرانکفورد؛ نجمیاس، دیوید. (۱۳۸۱). روشهای پژوهش در علوم اجتماعی، (فاضل لاریجانی و رضا فاضلی)، تهران: سروش.
- خوش فر، غلامرضا. (۱۳۹۸۷). تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی مطالعه موردی استان گلستان، تهران: رساله دکتری دانشگاه علامه طباطبایی.
- ریتزر، جرج. (۱۳۹۲). نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، (محسن ثلاثی)، تهران: علمی.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۹۲). روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سیف زاده، حسین. (۱۳۷۳). مشارکت منفعلانه و علل تداوم آن، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۱ (شماره ۰): ۱۶۶-۱۴۵.

- عبدالهی، محمد. (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی در ایران؛ وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان شناسی گذار، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، دوره ۶ (شماره ۲۵): ۲۳۴-۱۹۵.
- لاپیدوس، ایرا ماروین. (۱۳۸۳). تاریخ جوامع اسلامی، (مترجم. علی بختیاری زاده)، تهران: اطلاعات.
- مجتهد زاده، پیروز. (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: انتشارات سمت.
- معمار، رحمت اله. (۱۳۹۱). جامعه شناسی مشارکت سیاسی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- علیش، محمد ولی. (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی نخبگان، تهران: رساله دکتری دانشگاه علامه طباطبایی.
- نوروزی خیابانی، مهدی. (۱۳۹۶). فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی، تهران: نشر نی.
- هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۷۷). درک توسعه سیاسی، (مترجم. پژوهشکده مطالعات راهبردی)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- McClurg, Scott. (۲۰۰۳). "Social Networks And Political Participation: The Role Of Social Interaction Explaining Political Participation", Political Research Quarterly, vol ۵۶ (No ۴): ۴۴۸-۴۶۵.
- Mckenzi, Brian. (۲۰۰۴). "Religious Social Networks, Indirect Mobilization And African-American Political Participation", Political Research Quarterly, Vol ۵۷ (No ۴): ۶۲۱-۶۳۲.
- Parvin, Phil. (۲۰۱۸). "Democracy Without Participation: A New Political Foray A Disengaged", Loughborough University, Vol ۲۴: ۳۱-۵۲
- www.wikipedia.org
- www.amar.org.ir
- www.ahvaz.ir